

تأملی در سبک شعر شیخ بهائی

دکتر احمد محمدی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۷/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۹/۲۳

چکیده:

شیخ بهائی از شعرای عارف مسلک قرن دهم و یازدهم هجریست که در علوم مختلف مهارت داشته است. وی آثار فراوانی به نظم و نثر پدید آورده و دیوان شعری نیز از وی بر جای مانده است. دوران زندگی شیخ بهائی از حیث زمانی مصادف با دوران رواج سبک هندی در شعر فارسیست ولی شاخصه‌های مهم این سبک در شعر او بازتاب چشمگیری ندارد و مختصات سبک شعر وی بیشتر با ویژگیهای سبکهای شعری خراسانی و عراقی همسانی دارد. در این پژوهش تلاش بر آنست تا با ارائه شواهد مستدل، ویژگیهای سبکی شعر شیخ بهائی و نکات اشتراک و افتراق آن با خصیصه‌های شعر سبک هندی مورد بررسی قرار گیرد.

کلمات کلیدی:

شیخ بهائی، سبک هندی، غزلیات، فنون و صنایع ادبی، سبکهای خراسانی و عراقی.

۱ - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور مرکز تبریز

مقدمه :

بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی معروف به شیخ بهائی، دانشمند نامدار قرن دهم و یازدهم هجریست که در علوم مختلف متبحر بود. در حدود نود و پنج کتاب و رساله از او در زمینه‌های سیاست، حدیث، ریاضی، اخلاق، نجوم، عرفان، فقه، مهندسی و هنر برجای مانده است.

وی در بعلبک متولد شد. دوران کودکی را در «جبل عامل» در ناحیه سوریه و شام در روستایی به نام «جبع» یا «جباع» زیست. او از نژاد «حارث بن عبدالله اعور همدانی» (از شخصیت‌های برجسته صدر اسلام، متوفی بسال ۶۴ خورشیدی) بوده است.

خاندان او از خانواده‌های معروف جبل عامل در قرن دهم و یازدهم خورشیدی بوده‌اند. محمد سیزده ساله بود که به‌مراه پدرش عزالدین حسین عاملی - بخاطر اذیت شیعیان آن منطقه توسط دولت عثمانی - بدعوت شاه طهماسب صفوی برای حضور در ایران، بسوی ایران رهسپار گردید و چون بقزوین رسیدند و آن شهر را مرکز دانشمندان شیعه یافتند، در آن سکنی گزیدند و بهاء‌الدین بشاگردی پدر و دیگر دانشمندان آن عصر مشغول شد. وقتی او هفده ساله بود (۹۷۰ ق) پدرش بتوصیه شیخ علی مشار از سوی شاه طهماسب به سمت شیخ الاسلامی قزوین منصوب شد. چهارده سال بعد در سال ۹۸۴ قمری، پدر شیخ برای زیارت خانه خدا از ایران خارج شد اما در بحرین وفات یافت.

شخصیت علمی و ادبی و اخلاق و پارسائی او باعث شد تا از چهل و سه سالگی شیخ الاسلام اصفهان شود و در پی انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان (در ۱۰۰۶ قمری)، از پنجاه و سه سالگی تا آخر عمر (هفتاد و پنج سالگی) منصب شیخ الاسلامی پایتخت صفوی را در دربار مقتدرترین شاه صفوی - عباس اول - بر عهده داشته باشد.

شیخ در فاصله سالهای ۹۹۴ تا ۱۰۰۸ ق سفرهایی چند بخارج از قلمرو صفویه داشت. این سفرها برای زیارت، سیاحت و دانش‌اندوزی بوده که مکه، مصر و شام از جمله مقصد این سفرها بوده است. وی در سال ۱۰۳۱ قمری در اصفهان درگذشت و بنا بر وصیت خودش جنازه او را به مشهد بردند و در جوار بارگاه رضوی جنب موزه آستان قدس دفن کردند.

هم اکنون قبر وی بین مسجد گوهرشاد و صحن آزادی و صحن امام خمینی (ره) در یکی از رواقهاست.

دوران حیات شیخ بهائی از حیث زمانی مصادف با رواج سبک معروف به هندی در شعر فارسی میباشد، بنابراین انتظار بر آنست که خصیصه‌های این سبک مهم شعر فارسی در شعر وی تجلی یابد ولی با تأمل و بررسی دقیق در مجموعه اشعار باقیمانده از این شاعر عارف معلوم میشود که میزان تأثیر شیخ بهائی از ویژگیهای خاص سبک هندی بسیار اندکست و فضای حاکم بر زبان شعری وی بیشتر با خصوصیات سبکهای شعری پیش از سبک هندی تناسب دارد.

پیش از ورود به اصل مطلب توجه به این نکته لازمست که «واژه سبک در سه مفهوم به کار میرود: «سبک شخصی، سبک دوره، سبک ادبی؛ سبک شخصی، سبک خاص شاعر و نویسنده است و آثار او را در طول قرون از اثر هر کس دیگری به نحو نمایانی متمایز نگاه میدارد. کسانی چون فردوسی، نظامی، خاقانی، حافظ و... سبک شخصی دارند. سبک دوره سبک کلی کم و بیش بهم مانسته شاعران و نویسندگان دوره‌هایی از تاریخ ادبیاتست. مثلاً مختصاتی که در آثار شعری قرون چهارم و پنجم مشاهده میشود در یک نگاه کلی بهم شبیه است. به سبک این دوره سبک خراسانی میگویند. سبک ادبی، وجوه تمایز آثار ادبی از آثار غیرادبیست»^۱

در مقاله حاضر سبک شعر شیخ بهائی از منظر سبک دوره مورد بررسی قرار میگیرد. ابتدا به بیان برخی از ویژگیهای سبک هندی که در شعر شیخ بهائی نمود یافته‌اند، میپردازیم و سپس از ویژگیهای سبکهای شعری پیش از سبک هندی که بازتاب به نسبت گسترده‌ای در شعر شیخ بهائی دارند سخن بمیان می‌آوریم.

الف- وجوه اشتراک شعر شیخ بهائی با ویژگیهای سبک هندی :

۱- توجه به باورهای عامیانه

حدیث علم رسمی در خرابات برای دفع چشم بد سپندست

۱- سبک شناسی شعر، صص ۹ و ۱۰.

که اشاره بر رسم دود کردن اسفند برای دفع چشم زخم دارد.^۱

۲- استفاده از صنعت ارسال المثل

تا منزل آدمی سرای دنیاست کارش همه جرم و کارحق لطف و عطاست
خوشباش که آن سرا چنین خواهد رفت سالی که نکوست از بهارش پیداست^۲

* * *

آنکس که بدم گفت بدی سیرت اوست و آنکس که مرا گفت نکو، خود نیکوست
حال متکلم از کلامش پیداست از کوزه همان برون تراود که در اوست^۳

۳- استعمال برخی از کلمات و اصطلاحات زبان محاوره در شعر، مثل:

- عینک

این راه زیارتست قدرش دریاب از شدت سرما رخ از این راه متاب
شک نیست که با عینک ارباب نظر برفش پر قو باشد و خارش سنجاب^۴
«از ویژگیهای این سبک وجود کلمات، ترکیبات، کنایات و تعبیرات زبان محاوره در غزلست. دلیل اصلی این امر را در نزدیکی و حضور شعر در زندگی مردم باید جستجو کرد. دلیل دیگر این موضوع وجود طبقات مختلف مردم از صاحبان حرفه و صنعت و اهل بازار و تجارت در زمره شاعرانست، که طبعاً از واژه‌های متداول در مکالمات عادی خود در شعر بهره برده‌اند»^۵.

- کاغذ پنجره^۶

نقد دل خود بهائی آخر سره کرد در مجلس عشق عقل را مسخره کرد
اوراق کتابهای علم رسمی از هم بدرید و کاغذ پنجره کرد^۱

۱ - دیوان، ص ۱۰۷

۲ - دیوان، ص ۱۶۷

۳ - دیوان، ص ۱۶۸

۴ - دیوان، ص ۱۶۶

۵ - نقش پای غزالان، معصومه معدن کن، ص ۳۲ با تلخیص.

۶ - ظاهراً به معنی کاغذیست که با آن شیشه پنجره را پاک میکنند.

- کاغذ حلوا^۲

دیدی که بهائی چو غم از سر وا کرد
از مدرسه رفت و دیر را مأوا کرد
مجموع کتابهای علم رسمی
از هم بدرید و کاغذ حلوا کرد^۳

۴- استعمال برخی از تعابیر مختص شعرای سبک هندی، مثل:

- در پیراهن نگنجیدن

تا سرو قباپوش ترا دیده‌ام امروز
در پیرهن از ذوق نگنجیده‌ام امروز^۴

- گل گل شدن تن

بس که شد گل گل تنم از داغهای آتشین
میکنند کار سمندر بلبل بستان من^۵

ب- وجوه اختلاف شعر شیخ بهائی با ویژگیهای سبک هندی:

۱- قالب شعر

قالب رایج و پر استعمال شعر سبک هندی غزل میباشد. «در سبک هندی غزل بیش از هر نوع شعر دیگر معمول بود، زیرا بیان مضامین دقیق و باریک در غزل آسانتر است»^۶، «اما غزلی که حد و حدود ندارد و مثلاً به حدود چهل بیت هم میرسد و تکرار قافیه در آن امری طبیعیست»^۷.

با اینحال تعداد کل غزلیات دیوان شیخ بهائی از بیست و چهار مورد تجاوز نمیکند و تعداد ابیات غزلیات وی نیز در حد متعارف میباشد و طولانیترین غزل موجود در دیوان شیخ بهائی چهارده بیت دارد و با مطلع زیر آغاز میشود:

مقصود و مراد کون دیدیم
میدان هوس به پی دویدیم

۱ - دیوان، ص ۱۶۸

۲ - گویا معنی کاغذی است که داخل آن حلوا میگذاشته‌اند.

۳ - دیوان، ص ۱۶۹

۴ - دیوان، ص ۱۱۱

۵ - دیوان، ص ۱۱۳

۶ - مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر فارسی، ص ۸۱

۷ - سبک شناسی شعر، ص ۲۹۹

در دیوان اشعار این شاعر غزلیات بسیار کوتاهی نیز بچشم میخورد که سه تا پنج بیت دارند. کوتاهترین غزل دیوان وی بشرح زیرست:

دلا باز این همه افسردگی چیست به عهد گل چنین پژمردگی چیست
اگر آزرده‌ای از توبه‌دوش دگر بتوان شکست، آزرده‌ای چیست
شنیدم گرم داری حلقه، ای دوست! بهائی باز این افسردگی چیست^۱؟

ویژگی دیگر غزلیات شیخ بهائی انسجام معنی و مفهوم ابیات آن در محور عمودی میباشد. این ویژگی در غزل سبک هندی جایگاهی ندارد و اصولاً اساسی‌ترین تفاوت غزل سبک هندی با غزل سبکهای دیگر مربوط به همین امرست.

«نکته مهم دیگر در غزل سبک هندی اینست که هر بیت این غزل معمولاً مستقلست و با بیان یک مضمون تمام میشود. اینست که غزل ظاهراً وحدت طولی ندارد، هر بیت از خود شروع شده و در خود پایان می‌یابد. فقط وزن و قافیه و مخصوصاً ردیفست که ابیات را به هم می‌چسباند. از این نظر غزل سبک هندی از طرفی اوج تشنت و عدم اتحاد مضامین ابیات (از نظر کل شعر) و از طرف دیگر نهایت ایجاز و کمال (از نظر ابیات) است»^۲.

اما شیخ بهائی غیر از قالب غزل در قوالب دیگر نیز داد سخن داده است. در دیوان وی پنجاه و دو مثنوی، یک مستزاد، هفتاد و نه رباعی و یک مخمس معروف^۳ بچشم میخورد.

۲- استفاده از صنعت مذهب کلامی یا بیان منطقی و مستدل مطلب، بگونه‌ای که خواننده را در فهم مطلب مورد نظر شاعر بمرحله اقتناع برساند.

مرحوم همائی در تعریف آرایه مذهب کلامی این چنین نوشته‌اند: «آنست که سخن را با دلیل و برهان عقلی یا خطابی و ذکر امور مسلم و غیرقابل انکار، چنان اثبات کند که موجب تصدیق شنونده باشد»^۴.

شیخ بهائی در رباعی زیر از این آرایه استفاده کرده است:

کاری ز وجود ناقصم نگشاید گوئی که ثبوتم انتفا میزاید

۱ - دیوان اشعار، ص ۱۰۷

۲ - سیر غزل در شعر فارسی، ص ۱۸۲.

۳ - منظور مخمس معروفی است که با بیت: «تا کی به تمنای وصال تو یگانه اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه» شروع میشود.

۴ - فنون بلاغت و صناعات ادبی، ص ۳۰۸.

شاید ز عدم من به وجودی برسم زان رو که ز نفی نفی ، اثبات آید^۱
شاعر در این رباعی بیان میکند که از وجود ابتر و ناکامل او کاری ساخته نیست و گوئی
وجود و هستی او هر نوع نفع و فایده‌ای را از او نفی میکند، پس معتقدست که شاید عدم
و نبودن او باعث روی آوردن وجودهای دیگر (از جمله وجود نعمتها) بسوی او شود. چرا
که در منطق ریاضی نتیجه ضرب منفی در منفی، مثبت است بنابراین اگر وجود او به نفی
(عدم وجود) تبدیل شود و نفی قبلی نعمتها با نفی وجود او ادغام شود، نتیجه آن اثبات
(وجودی دیگر یا نعمتها) خواهد بود.

۳- بهره گیری از صور خیال رایج در سبکهای پیشین شعر فارسی

برای نمونه شاعر در رباعی زیر سر زلف معشوق را به مار تشبیه کرده است:
در خانه کعبه دل بدست آوردم دل بردم و گبر و بت پرست آوردم
زنار ز مار سر زلفش بستم در قبله اسلام شکست آوردم^۲
تشبیه فوق یادآور تشبیه‌های شعرای سبک خراسانی در این زمینه میباشد .
در شعر دوره خراسانی به تقلید از شعر عرب زلف معشوق به عنوان مشبه ، به
مشبه‌به‌هایی از قبیل خوشه انگور ، خوشه خرما ، دم اسب و عقرب و کژدم تشبیه شده
است «تشبیه زلف به عقرب و کژدم که یکی از تصاویر رایج شعرهای غنائی فارسی است و
تا دوره متأخر آن را میپسندیدند و امروز در نظر ما تصویری خنده‌آور مینماید و در قرن
چهارم بسیار رایج بوده ، چنانکه در شعر دقیقی میخوانیم :
زخم عقرب نیستی بر جان من گر ورا زلف معقرب نیستی
و منوچهری گفته است :
زانکه زلفش کژدم است و هر که را کژدم گزید مرهم آن زخم را کژدم نهد کژدم فسای^۳

۴- بهره گیری از آرایه جناس مرکب که در سبک هندی چندان مورد توجه شاعران نیست.

۱- دیوان اشعار، ص ۱۷۰

۲- دیوان اشعار، ص ۱۷۲

۳- صور خیال در شعر فارسی ، صص ۳۶۰ و ۳۶۱ .

بشهر عافیت مأوی ندارم
من از پروانه دارم چشم تحسین
بهشتم میدهد رضوان به طاعت
ز تو آزرده گردد حلقه ذکر
بهائی جوید از من زهد و تقوی
۵- بیان بسیار ساده و بدور از تکلف که گاهی اوقات یادآور سبک شعر دوره خراسانیست.

ای داده خلاصه عمر به باد
ای مست ز جام هوا و هوس
تا چند روی به ره عاطل
از توبه بشوی گناه و خطا
وی گشته به لهو و لعب دلشاد
دیگر ز شراب معاصی بس
یک بار بخوان زهق الباطل
وز توبه بجوی سئوال و عطا^۲

۶- تعریف و تاویل برخی از اصطلاحات خاص عرفانی:

تعریف فقه و زهد

فقه چبود؟ آنچه محتاجی بر آن
فقه چبود؟ زاد راه سالکین
زهد چبود؟ تجرید قلب از حب غیر

تعریف عقل

چیست دانی عقل در نزد حکیم
از برای نفس تا سازد عیان
هر صباح و شام بل آنآ فآن
آنکه شد بی زاد شد از مالکین
تا تعلق نایدت مانع ز غیر^۳

۷- اشاره به شخصیت‌های باستانی و اساطیری
گرد قدم زایرت از غایت رفعت
بر فرق فریدن ننشیند ز حقارت^۵

۱ - دیوان اشعار، ص ۱۱۲

۲ - دیوان، ص ۱۴۲

۳ - دیوان، ص ۱۴۵

۴ - دیوان، ص ۱۴۸

۵ - دیوان اشعار، ص ۱۰۶.

۸- عربیگرایی

بسامد کاربرد کلمه‌ها و جمله‌های عربی در اشعار شیخ بهائی بسیار زیادست و مطلع برخی از مثنویهای شیخ با ابیات عربی آغاز میشوند. برای نمونه هشت بیت اول مثنوی زیر بزبان عربی سروده شده است:

یا ندیمی قم فقد ضاق المحال	قد صرفت العمر فی قیل و قال
انها تهدی إلی خیرالسبیل	واسقنی تلک المدام السلسبیل
انها ناراً اضاعت للکلیم	واخلع النعلین یا هذا الندیم
دع کئوساً واسقنیها بالبدنان	هاتها صهباء من خمر الجنان
هاتها من غیر عصر هاتها	ضاق وقت العمر عن آلتها
ان عمری ضاع فی علم الرسوم	قم ازل عنی بها رسم الهموم
لا تخف الله تواب غفور	قل لشیخ قلبه منها نفور
نه ازو کیفیتی حاصل نه حال ^۱	علم رسمی سر بسر قیل است و قال

مثنویهای دیگری نیز در دیوان شیخ بچشم میخورند که مطلع آنها با ابیات عربی آغاز میشود.^۲ اشعار ملمع نیز در دیوان شیخ بهائی بچشم میخورند. برای نمونه اولین غزل دیوان وی، ملمع^۳ میباشد:

ای قاصد جانان ترا صد جان و دل بادا فدا	جاء البرید مبشراً من بعد ما طال المدا
حرف دروغی از لب جانان بگو بهر خدا	بالله اخبرنی بما قد قال جیران الحمی
مفتاح ابواب النهی مشکوه انوار الهدی	یا ایها الساقی أدر کاس المدام فانها
خوش آنکه از یک جرعه میسازی مرا از من جدا	قد ذاب قلبی یا بنی شوقاً الی اهل الحمی
منع من محنت زده زان باده محنت زدا	هذا الربیع اذا؟ اتی یا شیخ قل حتی متی

۱ - دیوان اشعار، ص ۱۲۰

۲ - ر.ک. دیوان اشعار، صص ۱۱۸-۱۲۵

۳ - ملمع آن است که فارسی و عربی را در نظم به هم آمیخته باشند، چنانکه مثلاً یک مصرع فارسی و یک مصرع عربی، یا یک یا چند بیت فارسی و یک بیت عربی با هم آورده شود. (فنون بلاغت و صناعات ادبی، ص ۱۴۶)

قم یا غلام و قل لنا الدیر این طریقه
قل للبهائی الممتحن داو الفواد من المحن
فالقلب ضیع رشنده و من المدارس ما اهتدا
بمدامه انوارها تجلوا عن القلب الصدی^۱

۹- بازتاب معانی و مفاهیم آیات قرآن کریم:

الف- بازتاب مستقیم

ب- بازتاب غیرمستقیم

الف) بازتاب مستقیم:

شیخ بهائی بدلیل اشراف به آیات نورانی قرآن کریم در برخی ابیات بصراحت بخشهایی از متن آیات قرآن را در شعر خویش ذکر کرده است. لازم بذکرست که هرگز متن کامل هیچکدام از آیات قرآن کریم در اشعار شیخ بهائی بچشم نمیخورد و وی برای ابلاغ مقصود ذهن خویش بمخاطب، فقط بذکر کلمه یا کلماتی از آیات مورد نظر بسنده میکند و با این عمل خواننده مشتاق را بجستجوی متن کامل آیه برمی‌انگیزاند. اهم این موارد بشرح ذیل میباشد:

۱- آن کو نوید آیه لاتقنطوا شنید گوشى بحرف واعظ پرگو نمیکند^۲
«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا
أَنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.» (سوره زمر- آیه ۵۳)

معنی: بگو ای بندگان من- که بر خویشتن زیاده روی روا داشته‌اید- از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می‌آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است.

۲- کردیم به جان دل تلافی چون دعوت ارجعی شنیدیم^۳
«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً.» (سوره فجر- آیه ۲۸ و ۲۷)
معنی: ای نفس مطمئنه، خشنود و خدایسند سوی پروردگارت برگرد.

۳- خشیه الله را نشان علم دان آنما یخشی تو در قرآن بخوان^۱

۱- دیوان اشعار، ص ۱۰۶

۲- دیوان، ص ۱۰۸

۳- دیوان، ص ۱۱۲

«أَنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (سوره فاطر - آیه ۲۸)

معنی: از بندگان خدا تنها دانایانند که از او میترسند.

۴- قرب شاهان آفت جان تو شد پای بند راه ایمان تو شد
جرعه‌ای از نهر قرآن نوش کن آیه لاترکنوا را گوش کن^۲
«وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»
(سوره هود - آیه ۱۱۳)

معنی: و به کسانی که ستم کرده اند متمایل نشوید که آتش (دوزخ) به شما میرسد و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود و سرانجام یاری نخواهید شد.

۵- در روز آلتست بلی گفتمی امروز به بستر لاخفتی^۳
«وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» (سوره اعراف - آیه ۱۷۲)
معنی: و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستم؛ گفتند: «چرا، گواهی دادیم» تا مبادا روز قیامت بگویید ما از این (امر) غافل بودیم.

۶- تا چند روی به ره عاطل یک بار بخوان زهق الباطل^۴
«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (سوره اسراء - آیه ۸۱)
معنی: و بگو «حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابود شدنی است».

۷- نفی لا تأسوا علی مافاتکم یأس آوردش، شده از راه گم^۵
لَكَيْلًا تَأْسُوا عَلَى مَفَاتِكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»
(سوره حدید، آیه ۲۳)

۱ - دیوان، ص ۱۲۲

۲ - دیوان، ص ۱۳۱

۳ - دیوان، ص ۱۳۷

۴ - دیوان، ص ۱۴۲

۵ - دیوان، ص ۱۴۵

معنی: تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به (سبب) آنچه به شما داده است شادمانی نکنید و خدا هیچ خودپسند فخر فروشی را دوست ندارد.

۸- گر همی خواهی حیات و عیش خوش گاو نفس خویش را اول بکش
در جوانی کن نثار دوست، جان رو عوان^۱ بین ذلک را بخوان^۱
«قالوا ادع لنا ربك مبین لنا ما هی قال انه يقول انها بقرة لافارض ولا بكر عوان^۱ بین ذلک
فافعلوا ما تؤمرون» (سوره بقره- آیه ۶۸)

معنی: گفتند: «پروردگارت را برای ما بخوان، تا بر ما روشن سازد، که آن چگونه (گاو) است؟ گفت: «وی میفرماید: آن ماده گاو است نه پیر و نه خردسال، (بلکه) میانسالی است بین این دو. پس آنچه را (بدان) مامورید بجای آرید».

۹- چون شدی بی بهره از فکر ای دغل دان که کالانعام باشی، بل اضل^۲
اولئك كالانعام بل هم اضل^۲ (سوره اعراف- آیه ۱۷۹)
معنی: آنان همانند چهارپایان بلکه گمراهترند.

ب) بازتاب غیرمستقیم

در بسیاری از ابیات، شیخ بهائی بدون ذکر بخشهایی از متن آیه مورد نظر خویش، بشکلی غیرمستقیم بضمون و مفهوم آیه پرداخته است. مهمترین مصادیق آن، اشاره بمفاهیم آیات بقرار زیر میباشد:

۱- من آن یگانه دهرم که وصف فضل مرا نوشته منشی قدرت بهر در و دیوار^۳
و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی
کثیر ممّن خلقنا تفضیلاً (سوره اسرا- آیه ۷۰)

۱ - دیوان، ص ۱۲۴

۲ - دیوان، ص ۱۵۰

۳ - دیوان، ص ۱۱۰

معنی: و براستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکبها) برنشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

۲- ابلیس نشد ساجد و مردود ابد شد آن دم که ملایک همه کردند سجود^۱
«وَ إِذِ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»
(سوره بقره- آیه ۳۴)

معنی: و چون فرشتگان را فرمودیم: «برای آدم سجده کنید»، پس بجز ابلیس- که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد- (همه) بسجده درافتادند.

۳- نیست جز تقوی در این ره توشه‌ای نان و حلوا را بهل در گوشه‌ای^۲
«وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ»
(سوره بقره- آیه ۱۹۷)

معنی: و برای خود توشه بگیرید که در حقیقت، بهترین توشه، پرهیزگاریست.

۴- تا بکی بر مزد داری چشم تیز مزد از این بهتر چه خواهی ای عزیز
کو تو را از فضل و لطف بامزید از برای خدمت خود آفرید^۳
«وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»
(سوره ذاریات- آیه ۵۶)

معنی: و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند.

۵- هر چه خواهد میکند پیدا بکن بیعلاج و آلت حرف و سخن^۴
«إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»
(سوره یاسین- آیه ۸۲)

معنی: چون بچیزی اراده فرماید، کارش این بس که میگوید «باش»؛ پس (بیدرنگ) موجود میشود.

۶- گر نباشد بارش نام از سما از زمین کی روید اقسام گیا
گل به فیض عام روید از زمین لیک این باشد چنان و آن چنین^۵

۱ - دیوان، ص ۱۱۲

۲ - دیوان، ص ۱۲۵

۳ - دیوان، ص ۱۳۴

۴ - دیوان، ص ۱۴۷

۵ - دیوان، ص ۱۵۴

«وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ وَانْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ»
(سوره الحج - آیه ۵)

معنی: و زمین را خشکیده میبینی ولی چون آب بر آن فرود آوریم به جنبش درمی آید و نمو میکند و از هر نوع (رستنیهای) نیکو میرویانند.

۷- باید اول آیه از حق نهی و امر غیرمختص نه به زید و نه به عمر^۱
«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»
(سوره آل عمران - آیه ۱۰۴)

معنی: و باید از میان شما، گروهی، (مردم را) به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وا دارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگارانند.

۸- سئوال علاج از طیبیان دین کن توسل به ارواح آن طیبیین کن^۲
«فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»
(سوره نحل - آیه ۴۳)

معنی: پس اگر نمیدانید، از پژوهندگان کتابهای آسمانی جویا شوید.

۹- روزی که برفتند حریفان پی هر کار زاهد سوی مسجد شدو من جانب خمار^۳

«كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ»
(سوره روم - آیه ۳۲)

معنی: هر حزبی بدانچه پیش آنهاست دلخوش شدند.

۱۰- هر در که زنم صاحب آن خانه توئی تو هر جا که روم پرتو کاشانه توئی تو^۴
«وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»
(سوره بقره - آیه ۱۱۵)

معنی: و مشرق و مغرب از آن خداست، پس بهر سو رو کنید آنجا روی (به) خداست.

۱۱- مالی که ز تو کس نستاند علم است حرزی که تو را به حق رساند علم است
جز علم طلب مکن تو اندر عالم چیزی که تو را ز غم رهاوند علم است^۵

۱ - دیوان، ص ۱۵۴

۲ - دیوان، ص ۱۵۹

۳ - دیوان، ص ۱۶۱

۴ - دیوان، ص ۱۶۱

۵ - دیوان، ص ۱۶۷

«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (سوره مجادله- آیه ۱۱)
معنی: تا خدا (رتبه) کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندان [برحسب]
درجات بلند گرداند.

۱۲- گر جرم تو بیعدست نومید مشو لطف بیحد، گناه بیعد خواهد
قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا
إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (سوره زمر- آیه ۵۳)
معنی: بگو ای بندگان من- که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید- از رحمت خدا نومید
مشوید و در حقیقت، خدا همه گناهان را می‌آمزد که او خود آمرزنده مهربان است.

نتیجه

شیخ بهائی از دانشمندان بنام قرن دهم و یازدهم هجریست که علاوه بر تبخّر در علوم
مختلف از قریحه شعری نیز بهره‌مند بوده و دیوان شعری از وی بر جای مانده است. نظر
به اینکه دوران زندگی این شخصیت نامی از حیث زمانی مصادف با دوران رواج سبک
هندی در عرصه شعر فارسی است، انتظار بر آنست تا ویژگیهای این سبک در دیوان اشعار
وی تجلی یابد. ولی با مطالعه دقیق اشعار وی میتوان به این نتیجه رسید که خصوصیات
سبک هندی بصورت کمرنگ در اشعار وی مجال ظهور یافته است و صبغه غالب حاکم بر
شعر این شاعر از حیث سبک شناسی متعلق به ویژگیهای سبک خراسانی و عراقیست.

خصیصه‌های قابل توجه مربوط به شعر سبک هندی که در اشعار شیخ بهائی بچشم میخورد عبارتند از:

۱- ذکر باورهای عامیانه؛

۲- توجه به صنعت ارسال المثل؛

۳- استعمال برخی از لغات و اصطلاحات زبان محاوره در شعر.

در مقابل، خصوصیات مربوط به سبک شعر خراسانی و عراقی موجود در شعر شیخ بهائی بقرار زیر میباشد:

- ۱- توجه خاص بقالب شعر رباعی و مثنوی برخلاف سبک هندی که قالب رایج و پر استعمال آن غزل میباشد.
- ۲- بهره‌گیری از آرایه‌های بدیعی از قبیل انواع جناس و مذهب کلامی و نیز توجه به برخی از صور خیال رایج سبک خراسانی که در سبک هندی اقبال‌چندانی بدانها نشده است.
- ۳- پرهیز از بکارگیری زبان پیچیده و نازک اندیشیهای خاص سبک هندی و توجه بزبان ساده و دور از تکلف.
- ۴- تأویل برخی از اصطلاحات خاص عرفانی بشیوه ذوقی، بدانسان که در برخی از آثار شعری سبک عراقی بچشم میخورد.
- ۵- عربیگرایی افراطی، بگونه‌ای که مطلع برخی از مثنویهای موجود در دیوان این شاعر با هفت یا هشت بیت عربی آغاز میگردد، نیز اشعار ملامع بکرات در سراسر دیوان بچشم میخورد.
- ۶- بازتاب نسبتاً گسترده و قابل توجه معانی و مفاهیم آیات قران کریم که بشکل مستقیم و غیرمستقیم در متن مقاله حاضر مورد بحث واقع شده است.

فهرست منابع:

- ۱- قران کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ۲- دیوان کامل شیخ بهائی، با مقدمه سعید نفیسی، تهران: انتشارات گلشائی، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- ۳- سبک شناسی شعر، سیروس شمیسا، تهران: انتشارات فردوسی، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- ۴- سیر غزل در شعر فارسی، سیروس شمیسا، تهران: انتشارات فردوسی، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.
- ۵- صورخیال در شعر فارسی، محمدرضا شفیع کدکنی، تهران: انتشارات آگه، چاپ هفتم، ۱۳۷۸.
- ۶- فنون بلاغت و صناعات ادبی، جلال الدین همایی، تهران: نشر هما، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۵.
- ۷- مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر فارسی، ذبیح الله صفا، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۳.
- ۸- نقش پای غزالان، معصومه معدن کن، تبریز: انتشارات آیدین، چاپ اول، ۱۳۸۷.